

تحلیل هفته

شماره: 435

(از 19 جوزا الی 25 جوزا 1403 هـ ش)

تعامل امارت اسلامی با جهان: سومین نشست دوحه



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می‌خوانید:

- نشست اول و دوم دوحه و اهداف آن 3
- سیاست امریکا در رابطه با برقراری روابط دیپلماتیک غرب با امارت اسلامی چیست؟ 4
- سومین نشست دوحه؛ سیاست امارت اسلامی باید چه باشد؟ 5
- نتیجه 7
- پیشنهادات 8
- منابع 8



تعامل امارت اسلامی با جهان: سومین نشست دوحه

مقدمه

پس از روی کار آمدن دوباره امارت اسلامی افغانستان در سال 1400 خورشیدی، کشورهای منطقه و جهان برای تعامل با امارت اسلامی دو نوع دیپلماسی روی دست گرفتند. یکی: دیپلماسی تعامل مستقیم و دوجانبه و دیگری: دیپلماسی چندجانبه است. برخی از کشورهای منطقه مانند؛ چین، ترکیه، ایران، روسیه، کشورهای آسیای میانه، پاکستان، مالیزی، اندونزی و ... مستقیماً با امارت اسلامی تعامل داشتند. برخی دیگر از کشورهای منطقه و جهان از روابط مستقیم دوجانبه پرهیز نموده تلاش کردند از طریق سازمان‌ها و نشست‌های بین المللی با امارت اسلامی تعامل داشته باشند. تمام کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده امریکا از آن جمله‌اند.

ایالات متحده امریکا برای برقراری روابط با امارت اسلامی بر سر دو راهی قرار دارد؛ نه می‌تواند به طور کامل با آن قطع رابطه کند، زیرا که برخی منافع آن با افغانستان پیوند خورده است و موقعیت جیوپولیتیکی و جیواکونومیکی افغانستان بر آن مهم است. و نه هم می‌تواند آن را به رسمیت بشناسد البته تا زمانی که خواسته‌های خود را بر امارت اسلامی افغانستان تحمیل و یا حداقل اطمینان از ناحیه‌ی امنیتی نسبت به افغانستان حاصل نکند. بنابراین، راه سوم را انتخاب نموده که در ارتباط ماندن با امارت اسلامی است و آن، تنها با یک دیپلماسی چندجانبه میسر خواهد بود. یعنی از طریق نشست‌هایی مانند دوحه یا از طریق سازمان ملل متحد می‌خواهد با امارت اسلامی ارتباط برقرار کند و از این بسترها به گونه‌ای استفاده نماید تا امارت اسلامی شرط‌های آن را بپذیرد و هر دو کشور به یک نتیجه برسند. البته لازم یادآوری است که هر دو کشور به یکدیگر نیاز دارند؛ چون امارت اسلامی موضوع به رسمیت شناختن را کاملاً وابسته به ایالات متحده امریکا نموده است. باید امارت اسلامی به جای تقابل از تعامل با ایالات متحده امریکا کار بگیرد تا موانعی که در راه رسمیت‌شناسی است، برطرف گردد.

این مقاله تحلیلی به اشتراک و عدم اشتراک امارت اسلامی در سومین نشست دوحه و تعامل با ایالات متحده امریکا می‌پردازد، و در این راستا نظریات برخی از صاحب‌نظران، اساتید پوهنتون‌ها، محققین، علمای دین، بزرگان قومی و برخی از اعضای امارت اسلامی را نیز گرفته‌ایم که شما را به خواندن آن دعوت می‌نمائیم.

نشست اول و دوم دوحه و اهداف آن

اولین نشست دوحه توسط سازمان ملل متحد در اول ماه می ۲۰۰۳ برگزار گردید،¹ پیش از این نشست، در ماه جنوری همان سال، برخی از نمایندگان سازمان ملل متحد به منظور گفتگو با رهبران امارت اسلامی در مورد حقوق زنان، به ویژه حقوق تحصیلی و کار آن‌ها به کابل سفر کردند. در اولین نشست دوحه، امارت اسلامی دعوت نشد و در عوض برخی از فعالان مدنی، نمایندگان زنان، کارمندان رسانه‌ها و

سیاستمداران سابق به نمایندگی از افغانستان دعوت شدند. در این نشست نمایندگان ۲۵ کشور نیز دعوت شده بودند که چین، روسیه، پاکستان و برخی کشورهای اروپایی از آن جمله اند. نشست اول دارای اهداف زیر بود:

- 1- بحث در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان؛
- 2- بحث در مورد ایجاد دولت همه‌شمول؛
- 3- بحث در مورد روند مبارزه‌ی مؤثر علیه تروریسم؛
- 4- مبارزه با مواد مخدر.

دومین نشست دوحه توسط سازمان ملل متحد در 18 فبروری سال 2024 برگزار شد. هدف اصلی این دیدار زمینه سازی برای مشارکت و تعامل کشورهای جهان به ویژه ایالات متحده امریکا با امارت اسلامی بود. از این رو از امارت اسلامی نیز برای شرکت در این نشست دعوت به عمل آمد،² اما امارت اسلامی شرایط زیر را برای شرکت در آن ارائه کرد:

- 1- فقط امارت اسلامی به نمایندگی افغانستان در این نشست شرکت کند و سایر جهت‌های موازی نباید در آن دعوت شوند.
- 2- امارت اسلامی من حیث دولت دعوت شود نه حزب.
- 3- به هیأت امارت اسلامی حق ویژه برای سخنرانی و اجازه‌ی برگزاری جلسات خاص با مقامات سازمان ملل داده شود.

این همان سه شرط کلی بود که ملل متحد آن را نپذیرفت؛ چرا که سر منشی ملل متحد، پذیرش این شروط را به معنای به رسمیت شناختن امارت اسلامی پنداشت.³

سیاست امریکا در رابطه با برقراری روابط دیپلماتیک غرب با امارت اسلامی چیست؟

ایالات متحده امریکا نقش مهمی در اجرای سیاست‌های خارجی اکثر کشورهای غربی (اروپا و امریکا) دارد و سیاست‌های کشورهای غربی پیرامون کشورهای شرقی از سیاست‌های ایالات متحده امریکا متأثر است. این موضع ایالات متحده امریکا در قبال امارت اسلامی موضع اکثر کشورهای غربی است و تا زمانی که ایالات متحده امریکا برای برقراری روابط دیپلماتیک با امارت اسلامی اقدام نکند، هیچ کشور غربی این کار را انجام نخواهد داد. بنابراین موضع ایالات متحده امریکا در قبال امارت اسلامی، موضع غرب است، بدین ملحوظ می‌توان گفت سیاستگذاران امریکایی در رابطه با برقراری روابط دیپلماتیک با امارت اسلامی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول بر آن اند، که ایالات متحده امریکا باید با امارت اسلامی روابط دیپلماتیک برقرار کند و دلایل زیر را بیان می‌کنند:

1- اگر ایالات متحده امریکا با امارت اسلامی روابط دیپلماتیک برقرار نکند و امارت اسلامی را در انزوای مطلق بگذارد، امارت اسلامی چیزی برای از دست دادن نخواهد داشت و این ممکن است ایالات متحده امریکا را با چالش‌های امنیتی تهدید کند. امارت اسلامی ممکن است بار دیگر با القاعده و سایر شبکه‌های بین‌المللی ارتباط برقرار کرده و به آن‌ها در قلمرو خود پناه دهد. علاوه بر این، حقوق بشر ممکن است با چالش‌های جدی‌تری مواجه شود.

2- چین، روسیه و ایران روابط نزدیکی با امارت اسلامی دارند و اگر ایالات متحده امریکا برای برقراری روابط دیپلماتیک با امارت اسلامی اقدام نکند، بنابراین این منطقه را به طور کامل از دست خواهد داد.

3- امارت اسلامی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از کشت و قاچاق مواد مخدر انجام داده است و اگر امارت اسلامی بداند که دیگر روابطش با ایالات متحده امریکا برقرار نخواهد شد، در آن صورت ممکن است از طریق قاچاق و کشت مواد مخدر به کسب درآمد بپردازد و این کار به نفع ایالات متحده امریکا و متحدان اروپایی آن نخواهد بود و دلیلش این است که از یک طرف مواد مخدر از افغانستان به اروپا قاچاق می‌شود و از طرف دیگر ایالات متحده امریکا فکر می‌کند که اگر مواد مخدر آزاد گذاشته شود، آنگاه به منبعی برای تامین مالی القاعده، داعش و برخی گروه‌های دیگر تبدیل می‌شود و امنیت داخلی و منافع امنیتی منطقه‌ای ایالات متحده امریکا را تهدید می‌کند.⁴

گروه دوم بر این اند که ایالات متحده امریکا نباید با امارت اسلامی ارتباط داشته باشد. بل محدودیت‌ها را افزایش دهد. دلیل آن‌ها این است که امارت اسلامی یک گروه ایدئولوژیک است و هرگز از موقف خود نخواهد گذشت، در حال حاضر که آن‌ها به رسمیت شناخته نشده‌اند، به دختران اجازه تحصیل نمی‌دهند، دولت همه‌شمول تشکیل نمی‌دهند و به هیچ افغان دیگری در روند سیاسی جایگاهی قایل نیستند، اگر به رسمیت شناخته شوند، نقض حقوق بشر افزایش می‌یابد و سیستم تک حزبی هنوز هم قوی‌تر خواهد شد.⁵

گروه سوم نظر دارند که نه روابط رسمی دیپلماتیک با امارت اسلامی برقرار شود و نه هم در انزوای مطلق رها شوند، اما تا زمانی که امارت اسلامی مواضع خود را تغییر ندهد و خواسته‌های آن‌ها را نپذیرد و تغییرات رسمی در اصلاح نظام ایجاد نکند، تا آن زمان، باید مجراهای تعامل و کانال‌های دیگری را داشته باشد. تا کنون این ایده، تئوری محوری سیاست امریکا است و در چارچوب آن، نشست دوحه به تاریخ 30 جون 2024م قرار است برگزار شود. مسئله این است که آیا امارت اسلامی در این نشست شرکت کند یا خیر؟ به طور عموم، با ایالات متحده و جامعه جهانی چگونه تعامل کند؟ و چه راهکاری برای برقراری روابط متوازن سیاسی با جهان در پیش بگیرد؟ در اینجا به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

سومین نشست دوحه؛ سیاست امارت اسلامی باید چه باشد؟

پیش بینی می شود که سومین نشست دوحه در 30 جون 2024 م آغاز و در اول جولای به پایان برسد. در این نشست، سازمان ملل از امارت اسلامی نیز دعوت کرده است و به منظور تشکیل این نشست و گفتگو با امارت اسلامی، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد (Rosemary Dicarlo) در تاریخ 18 می 2024 به کابل آمد.⁶ با این حال، امارت اسلامی همچنان شرایط ذکر شده در دومین نشست دوحه را ارائه نموده و وی بدون به درست آوردن نتیجه‌ی مشخصی بازگشت. به منظور تلطیف موضع امارت اسلامی، (Roza Otunbayeva)، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان هفته گذشته به کابل آمد و با امیرخان متقی سرپرست وزیر امور خارجه دیدار کرد. هدف اصلی این دیدار، شفاف سازی موضع نهایی امارت اسلامی به منظور نهایی شدن آجندای دوحه بود. امیرخان متقی به وی گفت که آجندای مجلس باید به گونه‌ای تنظیم شود که مورد قبول همه طرف‌ها باشد، ما آمادگی حضور داریم، اما شرایط ما پذیرفته شود و زمانی که آجندای نهائی مجلس اعلام شد، پس از آن تصمیم نهایی خود را اعلام خواهیم کرد.⁷

این که امارت اسلامی در این نشست شرکت کند یا خیر؟ چه نوع تعامل با امریکا و غرب نماید؟ در این راستا از برخی صاحب نظران، محققان، اساتید دانشگاه‌ها و علما سوال نموده‌ایم که پس از تحلیل دیدگاه‌های آنان می توان گفت که راهکار امارت اسلامی برای ایجاد روابط و تعامل با جهان باید بر اساس حقایق زیر باشد:

- 1- افغانستان نیاز دارد تا روابط متوازن با همه کشورهای جهان به ویژه با قدرت‌های بزرگ جهانی داشته باشد، و بدون این روابط، افغانستان نمی تواند منافع، جایگاه و موثریت خود را در جهان و منطقه حفظ کند.
- 2- اگر امارت اسلامی برای برقراری این روابط، از موضع ضعیف پیش برود، کشورهای جهان و به ویژه قدرت‌های بزرگ، امارت اسلامی را مجبور به پذیرش مواردی می کنند که به نفع افغانستان و منطقه نخواهد بود.
- 3- اگر امارت اسلامی در برقراری روابط از موضع قوی داخل شود؛ در این صورت قادر خواهد بود از منافع ملی افغانستان محافظت کند. کسی تلاش نرزد تا آن را تحت فشار قرار دهد. هدف از موضع قوی این است: مشکلاتی که در واقع مشکلات ملت افغانستان است و ملت می خواهد آن مشکلات را رفع کند؛ و تمام منافع آن نیز به ملت و نظام حاکم متوجه می گردد؛ رفع این مشکلات، فاصله میان ملت و نظام حاکم را از بین می برد؛ اما ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی از آن به عنوان اهرم‌های فشار کار گرفته، در رسانه‌ها برای بدنام کردن امارت اسلامی سوء استفاده کرده، و از آن برای دستیابی اهداف اصلی خود کار می گیرند. این مشکلات باید حل گردد؛ اگر این مشکلات حل نگردد در هر اجتماع و فارمتی که امارت اشتراک می نماید، همواره تحت فشار قرار خواهد گرفت و این کشورها برای رسیدن به اهداف خود در پشت پرده به عنوان ابزارهای فشار استفاده خواهند کرد.

امارت اسلامی برای یک سیاست خارجی قوی نیاز به اعمال تعدیلات و اصلاحاتی در کشور دارد تا در موضع‌گیری‌های خود در سیاست خارجی، حمایت مردمی را با خود داشته باشد. در این اصلاحات و تعدیلات، حقوق اساسی شهروندان و تعریف و تعیین ساختار و شکل نظام به شکل خاص شامل می‌باشد. و این زمانی امکان پذیر است که قانون اساسی داشته باشیم؛ حقوق تمام شهروندان در آن مشخص باشد. ساختار و شکل نظام به گونه‌ای تعریف گردد که مردم به یک شکلی در انتخاب آن سهم داشته باشند و آن را به تمام معنا نظام خود بدانند. اگر این اصلاحات آورده شود؛ در حقیقت توانسته‌ایم تمام فشارهای بین‌المللی که به نوعی بهانه‌هایی به شمار می‌آید را از میان برداشته باشیم. در این صورت موضع و موقف ما می‌تواند قوی مطرح گردد. در حال حاضر هر اندازه امارت اسلامی در سطح بین‌المللی موضع قوی و منطقی بگیرد، از این سبب، ضعیف تلقی می‌شود؛ که جامعه جهانی می‌گوید: دختران را به مکاتب نمی‌گذارید. اجازه کار برای‌شان نمی‌دهید. اساس نظام حاکم واضح نیست و سیستم غیر منظم است. در صورتی که این اصلاحات داخلی بیاید، این بهانه‌ها و فشارهای جهانی خاتمه می‌یابد، و آنگاه نظر، موقف و موضع‌گیری در سطح و سبب بین‌المللی از قوت و توانایی برخوردار می‌باشد.

- 1- با در نظر داشت اصول فوق‌الذکر، در نشست کنونی دوحه، باید بر شرایطی که حافظ حیثیت ملی افغانستان است، پافشاری گردد، اگر چه مانع اشتراک در نشست کنونی گردد. اما راه‌های ارتباطی باید باز بماند و مساله نباید به مرحله‌ای برسد که این کانال‌ها کاملاً بسته شود، زیرا رقبای امارت اسلامی می‌خواهند چنین وضعیتی ایجاد گردد.
- 2- سیاست خارجی انعکاسی از اوضاع داخلی است و کل نظام در شکل‌گیری آن نقش دارد، وزارت امور خارجه تنها نماینده است، بنابراین لازم است هر چه سریع‌تر برای رسیدن به این قدرت گام‌های مؤثر برداشته شود. اگر به این وضعیت برسیم؛ یعنی مشکلات داخلی را حل کنیم، به قدرت رسیده‌ایم و با جامعه جهانی از موضع قوی صحبت خواهیم کرد، اکثر ابزارهای فشار آن‌ها را از بین برده‌ایم، و کشورها راه دیگری به جز رسمیت شناختن امارت اسلامی نخواهند داشت.

نتیجه

نشست دوحه مهم است و وسیله‌ای برای تعامل و روابط امارت اسلامی با جهان به ویژه غرب است. سومین نشست دوحه فرصتی برای امارت اسلامی است تا از آن برای روابط نزدیک‌تر با غرب استفاده کند، زیرا موضوع به رسمیت شناختن امارت اسلامی بیشتر در دست امریکایی‌هاست و اگر روابط امارت اسلامی با آن‌ها بهبود نیابد، سپس مسئله‌ی به رسمیت شناختن با سرنوشت نامعلومی روبرو خواهد شد.

امارت اسلامی برای تعامل با دنیا باید از موضع قوی صحبت کند و این زمانی ممکن است که ابزارهای فشار جامعه بین‌المللی بر امارت اسلامی تمام و یا کاهش یابد. امارت اسلامی می‌تواند برخی تعدیلات و اصلاحات

در سیاست داخلی خویش آورده، و بدین وسیله ابزارهای فشار را به حد اقل برساند و از یک موضع قوی‌تر به سراغ جامعه جهانی برود.

پیشنهادات

- 1- امارت اسلامی سومین نشست دوحه را فرصتی تلقی نموده و از آن عده شرط‌های خود که ارزش‌های نظام پایمال نمی‌گردد، بگذرد و در نشست دوحه اشتراک نماید.
- 2- سیاست داخلی، ستون فقرات سیاست خارجی است که سیاست خارجی به آن وابسته است، بنابراین امارت اسلامی به اصلاح و تعدیل برخی از سیاست‌های داخلی اقدام کند که از نظر شرعی مشکلی ندارد و می‌تواند موقف افغانستان را در سطح بین‌المللی تقویت بخشد.
- 3- سازمان ملل متحد نیز باید برخی از شروط امارت اسلامی به ویژه شرط عدم دعوت جهت‌های موازی در نشست دوحه را بپذیرد، زیرا در صورت رویارویی جهت‌های موازی و متضاد، نتیجه اصلی نشست حاصل نخواهد شد.

منابع

¹ Kate Clark and Roxanna Shapour. A Ban, a Resolution and a Meeting: A look at the May 2023 meeting in Doha and the reactions to it, Afghanistan Analysts Network, 5 May 2023, Access link: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/international-engagement/a-ban-a-resolution-and-a-meeting-a-look-at-the-may-2023-meeting-in-doha-and-the-reactions-to-it/>

² Kate Bateman and Andrew Watkins. What to Expect from the Doha Conference on Afghanistan, United States Institute of Peace, February 15, 2024, Access link: <https://www.usip.org/publications/2024/02/what-expect-doha-conference-afghanistan>

³ Mitra Majeedy. SECOND DOHA MEETING ON AFGHANISTAN ENDS IN QATAR, Afghanistan Peace Campaign, February 19, 2024, Access link: <https://afghanistanpeacecampaign.org/2024/02/19/second-doha-meeting-on-afghanistan-ends-in-qatar/>

⁴ Foreign Affairs Asks the Experts. Should the United States Normalize Relations With the Taliban? August 21, 2023, Access link: <https://www.foreignaffairs.com/ask-the-experts/should-united-states-normalize-relations-taliban-afghanistan>

⁵ Ibid.

⁶ United Nations Secretary General. Note to Correspondents: Under-Secretary-General for Political and Peacebuilding Affairs Rosemary DiCarlo's Visit to Afghanistan, 21 May 2024, Access link:



<https://www.un.org/sg/en/content/sg/note-correspondents/2024-05-21/note-correspondents-under-secretary-general-for-political-and-peacebuilding-affairs-rosemary-dicarlo%E2%80%99s-visit-afghanistan>

⁷ Ayaz Gul. UN discusses 'Doha III' meeting agenda, coordination with Taliban, Global Security, June 07, 2024, Access link: <https://www.globalsecurity.org/military/library/news/2024/06/mil-240607-voa03.htm>

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنمندی پالیسی ها در افغانستان و منطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com



واتس اپ: +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrskabul.com



info@csrskabul.com